

Examining the Aggravation of Punishment for Fraud Committed by Government Employees and Affiliated Institutions



**Mohammad Mahdi
Anjom Shoa**

Former Judge of the Supreme Court and
Ph.D. in Criminal Law and Criminology,
University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: mmanjom@yahoo.com



Abstract

The Iranian criminal justice system, through the enactment of the Law on Aggravated Punishment for Perpetrators of Bribery, Embezzlement, and Fraud (1988), has imposed harsher penalties for fraud compared to previous legislation to enhance its effectiveness in combating such offenses. Additionally, it prescribes more severe imprisonment sentences for individuals employed by the government or affiliated institutions, classifying this as a form of "aggravated fraud" within Iranian criminal law. A key legal debate surrounding this offense concerns whether the mere existence of an employment relationship with the government suffices to justify the aggravation of punishment, or whether the offender must have exploited their official position to commit the crime.

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2049535.1139](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049535.1139)


Legal scholars and practitioners, analyzing judicial practice and legal doctrine, have arrived at differing conclusions—some affirming, others rejecting this requirement—often relying on intuitive interpretations rather than legislative intent. This study adopts a descriptive-analytical approach, examining provisions of the Islamic Penal Code (Ta'zirat) that, in various contexts, enhance criminal penalties. By focusing solely on the legislative framework rather than subjective interpretations, this research aims to determine the Iranian legislature's criteria for sentencing enhancement and provide a definitive answer to the above question. A careful examination of legislative methodology reveals that Iranian law consistently establishes a direct correlation between sentence enhancement and the impact of specific circumstances or conduct on the commission of the crime or its consequences. Based on this legislative pattern, the study concludes that if a government employee commits fraud without abusing their official position, the aggravation of punishment lacks justification under Iran's legislative criminal policy.

Keywords: Legislative Criminal Policy, Sentence Enhancement, Aggravated Fraud, Sentencing Criteria, Offender's Employment Status.



واکاوی تشدید مجازات کلاهبرداری کارکنان دولت و نهادهای وابسته

قاضی پیشین دیوانعالی کشور و دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی،
دانشگاه تهران، تهران، ایران
mmanjom@yahoo.com

محمد مهدی انجم شعاع 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2049535.1139](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049535.1139)

چکیده

نظام حقوق کیفری ایران با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، به منظور مقابله مؤثرتر با کلاهبرداری، در مقایسه با قوانین پیشین، مجازات‌های شدیدتری فراروی مرتکبین قرار داده است. در عین حال، برای کسانی که با دولت و نهادهای وابسته به آن رابطه شغلی دارند، مجازات حبس بیشتری مقرر داشته که در حقوق کیفری اختصاصی، مصداقی از «کلاهبرداری مشدد» شناخته می‌شود. پرسشی که همواره در مباحث حقوقی این جرم مطرح بوده این است که آیا صرف وجود رابطه شغلی برای تشدید مجازات مرتکب کافی است، یا وی باید در رخداد مجرمانه از موقعیت شغلی خود سوء استفاده کرده باشد.

غالب پژوهشگران و مؤلفان با بررسی رویه قضایی و دکتربین حقوقی و با استمداد از برداشتها و درک شهودی خود به پاسخهای مثبت یا منفی رسیده و برای کشف واقع، از مبنای قانون گذار در تشدید مجازات بزهکاران سخنی به میان نیاورده اند. اما پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی موادی از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که در شرایط گوناگون، مجازات مجرمین را تشدید کرده می پردازد تا فارغ از اظهار نظر و برداشت شخصی، تنها با نگاه به مشی قانون گذار، معیار نظام تقنینی ایران برای تشدید مجازات را کشف کرده و بر مبنای آن به پرسش پیش گفته پاسخ گوید. در حالی که برخی بر این عقیده اند که صرف وجود رابطه شغلی مذکور برای تشدید مجازات کلاهبرداری کافی است، دقت در روش قانون گذار نشان می دهد که همواره بین تشدید کیفر و اثر گذاری وضعیت ها یا رفتارهای خاصی بر وقوع جرم یا نتایج آن، رابطه مستقیمی برقرار است. معطوف به این گونه معیار گیری از احکام قانونی مورد بررسی، این پژوهش به چنین نتیجه ای می رسد که اگر مرتکب جرم کلاهبرداری از موقعیت شغلی خود سوء استفاده نکرده باشد، تشدید مجازات وی از منظر سیاست جنایی تقنینی ایران توجیه پذیر نیست .

کلیدواژه ها: سیاست جنایی تقنینی، تشدید مجازات، کلاهبرداری مشدد، معیارهای تعیین کیفر، وضعیت شغلی بزهکار.

مقدمه

هنگامی که نیازمندی دامن افراد جامعه را بگیرد و زمانی که تقسیم ناعادلانه ثروت، فاصله بین اکثریت مردم و اقلیت برخوردار را بیشتر و بیشتر کند، دور از واقعیت نیست که کسانی را تاب تحمل نباشد و برای رفع نیاز و یا به طمع نزدیکتر شدن به طبقات مرفه، از راه‌های نادرست برای کسب مال تلاش کنند. راه‌های نادرست، گاه به موجب قانون ممنوع شده‌اند و برای ارتکاب آنها مجازات منظور شده است و گاه برخی رفتارهای نابهنجار مستوجب کیفر تلقی نشده و ضمانت اجراهای دیگری برای آنها مقرر گردیده است. در کنار این مواجهه دو گانه نظام حقوقی با رفتارهای نادرست اقتصادی و مالی، گاه قانون‌گذار در همان موارد جرم‌انگاری شده نیز وجوه متفاوتی را در نظر گرفته و به مناسبت وضع خاص بعضی از مرتکبان یا به مناسبت برخی از شیوه‌های ارتکاب جرم، وجوه مشدده یا مخففه مجازات پیش‌بینی کرده است. از جمله رفتارهای نابهنجار در حوزه اموال که با ضمانت اجرای کیفری مواجه شده است و بلکه به عنوان سرآمد جرائم علیه اموال و مالکیت مورد توجه قانون‌گذار و صاحب نظران قرار گرفته جرم کلاهبرداری^۱ است.

نظام حقوقی ایران که از زمان تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ برخوردار مجازات محور با کلاهبرداری را در پیش گرفته، از حیث وضعیت شغلی مرتکبان کلاهبرداری، به فراخور موقعیت تصویب قوانین، مواضع متفاوتی گرفته است. آخرین وضعیت قانونی در این باره، قسمت اخیر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

۱. برای تحقق جرم کلاهبرداری، کلاهبردار باید با حیله و نیرنگ سمت یا عنوانی را به خود نسبت دهد، سپس مانورها و عملیات متقلبانه‌ای را برای فریب دادن طرف به انجام برساند، تا در مرحله نهایی موفق شود که وجه یا مالی را از مغرور تحصیل کند. در واقع کلاهبرداری جرمی مرکب است که عنصر مادی آن از اعمال مختلفی تشکیل شده است اما هریک از این اعمال به تنهایی برای تحقق کلاهبرداری کافی نیست. (ولیدی، ۱۳۸۸، ۲۱۶)

است که به عنوان یکی از جهات تشدید مجازات، بدون هیچ قیدی مقرر داشته است «... یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسّسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها باشد...».

از زمان اجرای این قانون، همواره این بحث جاری بوده است که آیا صرف وجود رابطه کارمندی بدون سوء استفاده از چنین موقعیتی و حتی بدون اطلاع قربانی جرم، مشمول تشدید مجازات است یا اینکه تشدید کیفر منوط به این است که مرتکب از این موقعیت خود برای ارتکاب جرم سوء استفاده کرده باشد. به عبارت دیگر، وضعیت شغلی خود را وسیله‌ای برای تسهیل جرم کلاهبرداری قرار داده باشد. برخی از حقوق‌دانان چنین اعتقاد دارند که قانون اخیر، صرف وجود رابطه شغلی را برای تشدید مجازات کافی دانسته و حتی در فرضی که قربانی جرم از شغل مرتکب خبر نداشته باشد، باز هم مجازات کلاهبردار تشدید می‌شود.

در این مورد، برخی از پژوهشگران وارد بحث‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی نشده‌اند و با طرح این پرسش که آیا سوء استفاده مرتکب از رابطه شغلی خود با نهادهای موصوف در قانون، برای تشدید مجازات لازم است یا خیر و پاسخ منفی به آن، صرفاً تعبیر متن قانون را ملاک اظهار نظر قرار داده و از بحث‌های تخصصی علوم جنایی پرهیز کرده‌اند. برخی نیز پاسخ منفی این پرسش را حول محور شأن و حیثیت کارمندان نهادهای دولتی و وابسته به دولت و انتظارات مردم از درستکاری و امانت‌داری آن‌ها ابراز کرده‌اند که البته بی ارتباط با مباحث سیاست جنایی نیست. لذا از منظر جلوگیری از خدشه دار شدن اعتماد مردم به مأموران دولتی، هتک حیثیت ایشان و حفظ اطمینانی که موقعیت شغلی آنها نوعاً برای مردم ایجاد می‌کند، این تشدید مجازات را توجیه کرده‌اند. ناگفته پیداست که اگر صرف وجود رابطه کارمندی کلاهبردار بدون وجود نقشی از آن در تحقق جرم، به ادعای خدشه در اعتماد و اطمینان مردم و شأن کارمندی دولت موجب تشدید مجازات بود، همین

استدلال در باره جرایم دیگری همچون سرقت^۱، تصرف عدوانی^۲ و جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی^۳ نیز جاری بود و در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی^۴، قطعاً از توجیه بیشتری هم برخوردار بود. درحالی‌که بررسی متون قوانین جزایی چنین رویکردی از قانون‌گذار را نشان نمی‌دهد.

برخی از پژوهشگران نیز نظری مخالف عقیده گفته شده دارند و استفاده بزهکار از موقعیت شغلی خود را شرط تشدید کیفر دانسته‌اند. شاید به همین دلیل باشد که رویه قضایی نیز از انسجام و اتقان کافی برای تشخیص موضوع برخوردار نیست و اختلاف نظر حقوق دانان به تصمیمات دادگاه‌های کیفری نیز تسری یافته است. به طور کلی نویسندگانی که در باره موضوع اظهار نظر کرده‌اند آن گونه که از تحلیل‌ها و استدلال‌های ایشان بر می‌آید، غالباً بر اساس درک شهودی خود و استنباط از اوضاع و احوال رخداد جرم کلاهبرداری به نتیجه مثبت یا منفی رسیده‌اند و به این پرسش مهم، از منظر کشف بنای قانون‌گذار در تشدید مجازات مرتکبان رفتارهای مجرمانه و توجیهات سیاست جنایی آن پاسخ صریح نداده‌اند. اما این نوشتار فارغ از هر گونه اجتهاد فردی و برآوردی، با تکیه بر رفتار قانون‌گذار در موارد مشابه و نوع نگاهی که از سیاست جنایی تقنینی در مقابله با جرایم استنباط می‌شود به بررسی موضوع می‌پردازد.

^۱ سرقت، ربودن مال متعلق به غیر به صورت مخفیانه است. (بوشهری، ۱۳۸۷، ۲۵۱)

^۲ تصرف عدوانی به معنای عام، عبارت است از خارج شدن مال از تصرف مالک یا قائم‌مقام قانونی او، بدون رضایت وی یا بدون مجوز قانونی. (محقق، ۱۳۹۴، ۱۶۷)

^۳ هرگونه رابطه جنسی ناشی از تمایل زن و مرد که از حد و مرز متعارف جامعه فراتر باشد، به‌گونه‌ای که جامعه نتواند از آن چشم‌پوشی کند و آن را به‌عنوان عملی ضد عفت و اخلاق عمومی مردود و مستحق مجازات بداند. (عنصری فرد، ۱۳۸۴، ۱۸)

^۴ جرمی که تمامیت سیاسی، تمامیت ارضی یا حاکمیت را مختل می‌کند. (پوربافرانی، ۱۳۹۰، ۲۱)

بر این مبنا که مخاطبان این نوشتار در موضوع بحث مطالعات لازم را دارند و نیازی به ذکر نمونه نظرات و استناد به منابع نیست، فارغ از حدس و تشخیص فردی و توجیهات اجتماعی، اخلاقی و امثال آن، موضوع را با جستجو در متون قانونی به منظور کشف بنای منطقی قانون گذار در تشدید مجازات به طور کلی، و استفاده از آن در پاسخ به چند پرسش مرتبط با کلاهبرداری مشدد، مورد بررسی قرار خواهد داد؛ چه اینکه ممکن است قانون گذار قطع نظر از اثر پیش گفته جرم کلاهبرداری مأموران دولتی بر اعتماد و اطمینان مردم به ایشان و دولت، مبنای دیگری را برای تشدید مجازات کارکنان نهادهای دولتی و وابسته به دولت مورد توجه قرار داده باشد. به عبارت دیگر، با بررسی مشی قانون گذار در تشدید مجازات جرایم مختلف، به دنبال یافتن پاسخ خواهد بود. نوشتار حاضر با این پیش فرض که پیش بینی تشدید مجازات قاعدتاً باید مبتنی بر تأثیر عامل مشدده بر سهولت یا گستره تحقق جرم یا آثار مستقیم و بلاواسطه رفتار مجرمانه باشد، به واکاوی موضوع از منظر بنای قانون گذار می پردازد. با این رویکرد و با انتخاب چند مثال، می توان عوامل مشدده مجازات را به گونه هایی تقسیم کرد و علت تشدید مجازات و جهات شباهت مثال ها را مورد دقت نظر قرار داد تا از این مسیر به مبنای منطقی قانون گذار در معرفی این موضوع (رابطه شغلی مرتکب با نهادهای قانونی) به عنوان یک عامل تشدید کیفر نزدیک شد؛ مباحثی که به نظر می رسد در مورد تخفیف مجازات و اعمال سایر ارفاق های قانونی نیز قابل تسری است.

بدین منظور، فارغ از مقرراتی مانند قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین یا تغییرات ناشی از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و مقررات ناظر بر جایگزین های حبس، نمونه هایی از عوامل مشدده کیفر از قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) انتخاب شده است و مورد بررسی قرار می گیرد. نگارنده بر زمان تصویب مواد منتخب که پس از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری تصویب

شده‌اند آگاه است، اما از آنجا که سابقه تقنینی جرایم انتخاب شده در قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)، قانون دیوان کیفر کارکنان دولت (۱۳۳۴) و قانون تعزیرات (۱۳۶۲) و اصلاحات آنها، به زمان‌های پیش از تصویب قانون مذکور بر می‌گردد و در هر حال، نمایانگر بنای قانون‌گذار در تشدید مجازات است، اشکالی در بهره‌برداری از آنها به نظر نمی‌رسد.

عوامل مشددّه^۱ و مخففه^۲ کیفر از منظر زمان وقوع جرم

عواملی که قانون‌گذار آنها را موجب تشدید مجازات بزه‌کاران قرار داده، به جهت تقدّم یا تأخّر نسبت به زمان وقوع جرم، به دو گونه پیشینی و پسینی قابل تقسیم هستند:

اول؛ عوامل پیشینی مؤثر در رخداد مجرمانه

هنگامی که فرایند شکل‌گیری و تحقق یک جرم را مورد تحلیل قرار دهیم و عوامل مؤثر در رخداد مجرمانه را با دقت از یکدیگر تفکیک کنیم، ملاحظه می‌شود برخی از آنها یک رابطه پیشینی با واقعه کیفری دارند. با این توضیح که قبل از وقوع جرم وجود دارند و نقش خود را مقدّم بر وقوع جرم ایفا می‌کنند یا اینکه به جهت وجود قبلی، حین وقوع جرم و هم‌زمان با آن شاهد تأثیرشان هستیم. در هر دو حال این عوامل غالباً وجهی تسهیل‌کننده در وقوع جرم دارند که خود می‌تواند تقسیماتی داشته باشد.

^۱ اوضاع و احوالی است که هرگاه جرم در آن اوضاع و احوال واقع شود موجب تشدید مجازات می‌شود مانند سرقت در شب یا با اسلحه (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۵۸۰) تشدید مجازات نیز میزان کیفر جرمی را به بیش از حداکثر مقرر قانونی آن رسانیدن است که پس از احراز کیفیات یا علل مشدده قانونی کیفر، توسط دادگاه تعیین می‌گردد. (ایمانی، ۱۳۸۶، ۱۴۷)

^۲ کیفیات مخففه دو دسته هستند. دسته اول مواردی است که تخفیف مجازات و تمام شرایط آن توسط خود قانون بیان گردیده و دسته دوم نیز آن‌هایی هستند که در فرایند رسیدگی و صدور حکم بر اساس مجوز قانون، قاضی به تشخیص و احراز شرایط آن‌ها را اعمال خواهد کرد (رضوی فرد، ۱۳۹۰، ۲۱۱)

گاه یک عامل پیشینی چنین عمل می‌کند که جرم از حیث در هم شکستن مقاومت قربانی و تسلیم او و در نتیجه، سهولت انجام رفتار مجرمانه، آسانتر و سریعتر به فعلیت می‌رسد و گاهی نیز یک وضعیت شخصی در مرتکب وجود دارد که بستر ارتکاب جرم را برای او فراهم کرده و تحقق جرم را آسان می‌کند یا تأثیری بر ذهنیات قربانی جرم می‌گذارد که وقوع آن ساده‌تر می‌شود. در هر صورت و چه بسا صور دیگری که قابل فرض باشد، اثر عامل مشدده بر وقوع جرم و کیفیت تحقق آن در مرحله پیدایش جرم است. حتی در مواردی که چنین عاملی به علت هم‌زمانی، قابل تقدیم بر رفتار مجرمانه نباشد، تقدم رُتبی آن محسوس و قابل توضیح است. مثال‌هایی از رفتارهای جرم‌انگاری شده با مجازات‌های متفاوت حسب شرایط مختلف، موضع قانون‌گذار از منظر مورد بحث را نشان می‌دهد.

الف - عوامل مشدده شخصی مرتکب جرم

الف-۱- در ماده ۵۴۳ ق.م.ا.، شکستن یا محو پلمپ «محلی یا چیزی که بر حسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد» جرم انگاری شده و برای مرتکب حبس از سه ماه تا دو سال مقرر گردیده است. در بخش دوم این ماده برای کسی که عنوان مستحفظ داشته و خود مرتکب چنین جرمی شود، مجازات شدیدتر یک تا دو سال حبس منظور گردیده است. وضعیت خاص مرتکب، یعنی داشتن موقعیت مستحفظ نسبت به محل یا شیء پلمپ شده که قبل از ارتکاب جرم حائز آن شده و هنگام انجام رفتار مجرمانه واجد آن است، باعث تشدید مجازات می‌شود. دقت در موضوع نشان می‌دهد که داشتن موقعیت مستحفظ به عنوان عامل تشدید کیفر، بستر مناسبی از جهت دسترسی به محل یا شیء مهر یا پلمپ شده، برای مرتکب فراهم می‌کند و موجب سهولت ارتکاب جرم می‌گردد.

الف- ۲ - طبق ماده ۵۴۴ ق.م.ا. (تعزیرات): «هر گاه نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج، یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب گردد یا بر خلاف مقررات معدوم شود، مرتکبان جرم مذکور طبق صدر ماده ۵۴۵ همین قانون به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند شد». اما طبق قسمت اخیر ماده ۵۴۵ مذکور: «هر گاه امانت‌دار یا مستحفظ نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا سایر اشیاء مذکور، مرتکب ربودن یا تخریب یا معدوم کردن آنها بر خلاف مقررات بشود، مشمول تشدید مجازات گردیده و به سه تا ده سال محکوم خواهند شد». وجود وضعیت مستحفظ یا امانت‌دار بودن برای مرتکب، موجب این تشدید مجازات است که البته نقش تسهیل‌گر آن در تحقق جرم آشکار است.

الف- ۳ - طبق ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصا حساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه‌گیرنده سندی یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارت مالی، به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». در اینجا نیز قانون‌گذار حکیمانه به این موضوع مهم توجه کرده که ممکن است اشخاصی از وضعیت و رابطه خاص خود با افراد یاد شده سوء استفاده کرده و چنین اسنادی را به دست آورند. بنا براین در قسمت اخیر ماده یاد شده، چنین مقرر داشته: «اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود». در اینجا نیز وجود سمت ولایت، وصایت یا قیمومت بر بزه دیده که عامل مشددّه کیفر قرار گرفته، مُسهّل جرم مذکور است.

ب - وسیله و نحوه ارتکاب جرم

ب- ۱ - طبق ماده ۶۲۱ ق.م.ا. (تعزیرات)، «هر کس به قصد مطالبه وجه ... یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا ... شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...». قانون‌گذار در قسمت دیگری از این ماده، وسیله ارتکاب جرم را مورد توجه قرار داده و در صورتی که «ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد»، حد اکثر مجازات فوق را برای مرتکب مقرر داشته است. این حساسیت قانون‌گذار روی وسیله نقلیه، بی تردید بدان جهت است که ربودن فرد انسانی که مستلزم انتقال وی به محل دیگر است، با وسیله نقلیه بسیار آسان تر و سریع تر قابل انجام است. به همین علت، مرتکب را در این فرض مستحق حد اکثر مجازات دانسته است.

ب- ۲ - به موجب ماده ۵۴۷ ق.م.ا. (تعزیرات): «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید، مجازات تا ۷۴ ضربه شلاق یا سه تا شش ماه حبس خواهد داشت. قانون‌گذار بلافاصله نحوه ارتکاب این جرم را مورد توجه قرار داده و مقرر داشته: «اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» قانون‌گذار در قسمت اخیر این ماده، نحوه ارتکاب جرم را که موجب سهولت ارتکاب جرم فرار از زندان یا بازداشتگاه می‌شود، موجب تشدید مجازات قرار داده است.

ب- ۳ - ورود غیر مجاز: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل» طبق ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مستوجب حبس از یک ماه تا یک سال است و در مواردی نیز «مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد». در هر حال قانون‌گذار با عنایت به ماهیت جرم که زمان وقوع در ارتکاب آن نقش تسهیل

کننده و اطمینان بخش دارد، مقرر داشته که «چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حد اکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد». در اینجا زمان به عنوان عنصری مؤثر در کیفیت ارتکاب جرم و سهولت تحقق آن (و البته آثار آن بر آسایش خانواده و محیط خصوصی افراد)، عامل تشدید مجازات مرتکب است.

ج - شرایط قربانی یا موضوع جرم

علاوه بر وضعیت مرتکب و سایر شرایط پیش گفته، گاهی وضعیت خاص قربانی یا موضوع جرم که مؤثر در کیفیت ارتکاب، سنگینی و قبح بیشتر جرم یا سهولت ارتکاب آن است، عامل تشدید مجازات مرتکب قرار می‌گیرد. نمونه‌های زیر مصداق‌هایی از این بحث است. ج-۱- یکی از عوامل تشدید مجازات مرتکب جرم در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. (تعزیرات)، سن فرد ربوده شده است. قانون‌گذار با عبارت شرطی «در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد» کودکی یا نوجوانی بزه‌دیده را در تعیین مجازات مرتکب دخالت داده است. مجازات شدیدتر قاعدتاً باید برای جرمی باشد که از نظر عرف جامعه و سیاست جنایی تقنینی، جرمی سنگین‌تر است. در اینجا قانون‌گذار صرفاً سن کم مجنی‌علیه را دخیل در تعیین شدت و سنگینی جرم دانسته و به این سبب مجازات بیشتری برای مرتکب منظور داشته و حتی متعرض احتمال آثار سوء بیشتر جرم، بر قربانی کم سن و سال نشده است. این رفتار قانون‌گذار مفهوم این معنی است که کم سالی انسان ربوده شده در کیفیت جرم دارای تأثیر است و از این جهت باید بر مرتکب سخت‌گیری بیشتری اعمال شود. به علاوه، آشکار است ربودن فرد کم‌سال آسان‌تر از ربودن بزرگسالان است و ضمن آسان‌تر بودن با خطر کمتری نیز روبه‌رو است. لذا تأثیر سن بزه‌دیده بر کیفیت و شرایط جرم آشکار است.

ج- ۲- ماده ۵۴۹ ق.م.ا. (تعزیرات)، در فصل هفتم، ناظر بر فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین، وضعیت اتهام یا محکومیت شخصی را که برای او مساعدت در فرار شده یا راه فرار او تسهیل شده یا برای فرار وی تباری و مواضعه شده، در فرض‌های مختلف (در بند الف) به عنوان یکی از معیارهای تعیین مجازات مأمور حفظ، مراقبت یا ملازمت فرد زندانی یا توقیف شده معرفی کرده است. اگر متهم یا محکوم فراری را موضوع جرم بنامیم، قانون‌گذار فراری دادن او را با معیار نوع اتهام یا محکومیتش، به درجات سه‌گانه‌ای تقسیم کرده و هر چه وضعیت حقوقی و قضایی فرد فراری وخیم‌تر باشد، جرم را مهم‌تر دانسته و مجازات مأمور را سخت‌تر قرار داده است.

به طور متعارف روشن است که وضعیت قضایی سخت‌تر فرد فراری، در اهمیت جرم مأمور تأثیر دارد و قانون‌گذار از یک قاعده عرفی منطقی تبعیت کرده است. اما نکته مورد نظر این است که قانون، عاملی را مؤثر در شدت مجازات مرتکب (مأمور) قرار داده که بی‌تردید در تعریف شدت جرم او مؤثر است و بلکه بهترین معیار عرفی برای چنین تشخیصی قلمداد می‌شود. همین رفتار را در ماده ۵۵۱ قانون یاد شده نسبت به کسانی می‌بینیم که از مأمورین مذکور در ماده ۵۴۹ نیستند، اما عمداً موجبات فرار اشخاص زندانی یا دستگیر شده را فراهم می‌آورند. تأثیر وضعیت حقوقی و قضایی فرد فراری در اهمیت جرم و بالمآل، در تشدید مجازات مرتکبین در اینجا نیز آشکار است.

ج- ۳- نمونه دیگری که حکایت از نظر قانون‌گذار در تشدید مجازات از منظر عوامل مؤثر در کیفیت جرم دارد، ماده ۵۶۲ ق.م.ا. (تعزیرات) است. در این ماده، قانون‌گذار «هر گونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی- فرهنگی» را ممنوع کرده و مجازات مرتکب را شش ماه تا سه سال حبس تعیین کرده است. در بخش دوم این ماده وضعیتی برای موضوع جرم تعریف شده که بر اهمیت جرم تأثیر دارد. به همین دلیل می‌گوید «چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده

است، ... صورت گیرد ... مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.» تردیدی نیست که حفاری و کاوش در اماکن یا محوطه‌هایی که به عنوان اثر ملی ثبت شده‌اند در مقایسه با سایر اماکن، از قبح بیشتری برخوردار است. لذا در اینجا نیز قانون‌گذار عاملی را موجب تشدید مجازات قرار داده که در شدت جرم از منظر وضعیت موضوع جرم، دارای تأثیر آشکاری است.

دوم؛ عوامل پسینی مؤثر در واقعه مجرمانه

در بررسی عواملی که باعث تشدید مجازات مرتکب جرم می‌شوند، گاه به مواردی برخورد می‌کنیم که قانون‌گذار به دلیل نتایج و آثاری که پس از وقوع جرم به عنوان نتیجه غیر ضروری جرم حاصل می‌شود، یا رفتارهایی که مرتکب انجام می‌دهد، تشدید مجازات را مقرر داشته است. نمونه‌هایی از تأثیر عوامل پسینی در تشدید مجازات به شرح زیر است:

الف؛ نتایج غیر ضروری واقعه مجرمانه

الف- ۱- طبق ماده ۶۲۱ ق.م.ا. (تعزیرات)، یکی از عوامل تشدید مجازات مرتکب جرم آدم ربایی این است که «به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود». آسیب دیدن فرد ربوده شده، نتیجه ضروری جرم آدم ربایی نیست، اما اگر ربوده شدن وی سبب ورود آسیبی به او شود، به عنوان یک نتیجه غیر ضروری جرم، موجب تشدید قبح جرم و سنگینی عرفی آن خواهد شد. در نتیجه، جامعه انتظار مجازات شدیدتری برای مرتکب این جرم دارد و به تبع آن قانون‌گذار این وضعیت حادث را فارغ از اینکه چه کسی یا چه عاملی باعث آسیب شده باشد، موجب تشدید مجازات قرار داده است. بی تردید، علت توجه قانون‌گذار به خواست عرف، مؤثر بودن این نتیجه غیر ضروری، در سنگینی جرم و میزان قبح آن است.

الف-۲- مطابق مقررات کتاب‌های سوم و چهارم قانون مجازات اسلامی، ایراد صدمه بدنی بر اشخاص انسانی، حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. در عین حال قانون‌گذار از این مهم غافل نبوده که گاه ایراد صدمه عمدی به یک فرد می‌تواند آثاری فراتر از آسیب دیدگی مجنی علیه داشته باشد. لذا به شرح ماده ۶۱۴ ق.م.ا. (تعزیرات)، هر گاه رفتار مجرمانه «موجب اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد»، علاوه بر مجازات دیه، کیفر حبس نیز برای بزهکار مقرر داشته که گونه‌ای از تشدید مجازات به جهت حصول نتایج غیر ضروری جرم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است. این گونه تشدید مجازات که به شکل افزودن جنبه عمومی به یک جرم خصوصی صورت گرفته، تنها بر اساس تأثیر نتیجه غیر ضروری واقعه مجرمانه بر اهمیت جرم و میزان قبح اجتماعی آن قابل درک است.

الف-۳- مطلبی که در بند پیشین در باره تفاوت مجازات حسب نتایج حاصل از جرم ایراد صدمه عمدی بر فرد انسانی گفته شد، در مورد ایراد صدمه بدنی غیر عمدی در مواد ۷۱۴، ۷۱۵ و ۷۱۶ ق.م.ا. (تعزیرات) نیز صادق است. مواردی که در ماده ۷۱۴ این قانون به عنوان تقصیر مرتکب ایراد صدمه بدنی غیر عمدی مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفته «بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده... یا متصدی وسیله موتوری» است. در صورت احراز این تقصیر، نتایجی که از منظر صدمات وارد بر مجنی علیه حاصل می‌شود، حسب مورد موجب تشدید مجازات مذکور در ماده ۷۱۷ به مجازات‌های مندرج در مواد ۷۱۴، ۷۱۵ و ۷۱۶ خواهد شد. حصول نتایج مذکور در این سه ماده، شرط تحقق جرم نیست و در هر حال مرتکب طبق ماده ۷۱۷ قابل مجازات است. اما هر گاه یکی از نتایج مذکور در سه ماده پیش گفته به عنوان نتیجه غیر ضروری جرم (از حیث میزان صدمات) حاصل شود، موجب تشدید مجازات است. قانون‌گذار در اینجا نیز

عاملی را موجب تشدید کیفر قرار داده است که در نتیجه مجرمانه، به عنوان جزئی از عنصر مادی جرم ایفای نقش می‌کند.

ب؛ رفتار مرتکب پس از وقوع جرم

در ماده ۷۱۹ ق.م.ا. (تعزیرات)، خودداری مرتکب جرم از کمک فوری به مصدوم، از طریق رساندن وی به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی، ترک فعلی مجرمانه قلمداد شده و همچنین، ترک محل حادثه و رها کردن مصدوم به منظور فرار از تعقیب، رفتار مثبت مجرمانه ای معرفی شده که موجب تشدید مجازات مرتکب به بیش از دو سوم حداکثر موارد مذکور در مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ آن قانون می‌گردد. این رفتارهای منفی یا مثبت مرتکب، به عنوان عوامل پسینی که در فرض قانون (احتیاج مصدوم به کمک فوری)، روی نتایج جرم ایراد صدمه بدنی غیر عمدی اثر منتظره و قابل پیش بینی و چه بسا اثر حتمی دارد، تشدید مجازات مرتکب را توجیه می‌کند.

سوم - وجه اشتراک عوامل پیشینی و پسینی در تشدید مجازات

همان گونه که گفته شد قانون‌گذار در موارد فراوانی وضعیت‌های خاص افراد و رفتارهای آنها و نتایج جرم را، هم در مرحله قبل از وقوع جرم و هم بعد از تحقق جرم، در تعیین نوع کیفر و میزان آن و اعمال مقررات تشدید مجازات دخیل دانسته و اختیارات یا تکالیفی برای دادگاه‌ها تعریف کرده است. قانون‌گذار در چنین مواردی وجه مشترکی را رعایت کرده که این وجه مشترک، به‌رغم تفاوت در گونه‌های بیان شده، تأثیر بر واقعه مجرمانه است. وضعیت خاص مجرم که در حال ارتکاب جرم وجود دارد و به صورت زمانی یا ژنتیکی مقدم بر آن است و مصادیق رفتار پیش از ارتکاب جرم و زمان وقوع آن، رفتارهای پسینی بزه‌کار و نتایج غیر ضروری جرم به شرح مثالهای پیش گفته، همه در یک صفت مشترک اند که تأثیری در وقوع جرم یا کیفیت آن، شرایط و نتایج مستقیم آن بر بزه‌دیده از خود باقی

می‌گذارند. توجه به این تأثیر، حکمت قانون‌گذار است. قانون‌گذار حکیم هیچ‌گاه وجود یک موضوع فاقد اثر را در متن قانون بر نمی‌تابد و تصویب نمی‌کند. بی‌تردید بر هر یک از موضوعات متفرع و جانبی جرایم که در قانون آمده، اثری از انواع پیش‌گفته وجود دارد که در مثال‌های بررسی شده بیان گردید.

نتیجه‌گیری

در نمونه‌های بررسی شده دیدیم همه مواردی که قانون‌گذار به تشدید مجازات مجرم حکم کرده است، اثری از وضعیت خاص مرتکب یا رفتار پیشینی او در واقعه مجرمانه وجود دارد، یا نتایج غیر ضروری جرم، شدیدتر از وضعیت عادی بوده یا رفتاری پس از وقوع جرم از او سر زده که بر کم و کیف جرم تأثیر فزاینده داشته است. معیار حاصل از این بررسی که از رویکرد قانون‌گذار به خوبی استنباط می‌شود، همانا «تأثیر» عاملی خارج از اجزای ضروری جرم است که به فراخور جرم، شرایط رخداد و نتایج آن، بزه را از حالت عادی و ابتدایی آن خارج کرده و وضعیت ویژه ای برای آن رقم می‌زند. وضعیت پیشینی مرتکب در موارد بررسی شده، بدون استثناء، ارتباط مستقیم با ملزومات و خصوصیات جرم دارد. از این منظر، موقعیت شغلی کلاهبردار به عنوان یک وضعیت پیشینی، فی حد نفسه ارتباطی با اجزاء و شرایط جرم ندارد. اما گاه کلاهبردار موقعیت شغلی خود را در جریان انجام جرم به رخ می‌کشد، در رفتارهای فریبکارانه و مانورهای متقلبانه از آن استفاده می‌کند و از این طریق فریب خوردن قربانی را سریعتر، مؤثرتر و آسانتر محقق می‌کند. در چنین فرضی رفتار پیشینی مرتکب با سوء استفاده از وضعیت خود، بر تحقق واقعه مجرمانه تأثیر داشته و بجاست که کیفر شدیدتری در انتظار او باشد. اما اگر چنین نباشد تشدید مجازات وی با بنای قانون‌گذار که از بررسی مصادیق پیش گفته استنباط می‌شود، سازگار نیست. توجه به این بنای قانون‌گذار، به طور متعارف پرسشگر را قانع می‌کند که هر گاه مرتکب از این وضعیت پیشینی خود در ارتکاب جرم بهره نبرده و آن را در کنار سایر عوامل، ابزار فریب قربانی قرار نداده است، بی تردید رفتار او مشمول عنوان کلاهبرداری مشدد نخواهد بود. زیرا بنای قانون‌گذار این نبوده است که عوامل غیر مؤثر در وقوع جرم یا تسهیل کننده جرم و مانند آن را در تعیین کیفر یا تشدید آن دخالت دهد. لذا حذف عبارت مندرج در ماده

۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق در ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مبنی بر اینکه «به سبب شغل و وظیفه مرتکب جرم شده باشد» (مشابه حقوق جزای فرانسه)، با موشکافی مبنای قانون‌گذار در تشدید مجازات مجرمین، خدشه ای به این نتیجه‌گیری وارد نمی‌کند.

اما پرسش مهم‌تری مطرح است که اگر بزه‌دیده از موقعیت شغلی کلاهبردار به عنوان یک وضعیت پیشینی آگاه بوده و این موضوع در اعتماد نابجای او و فریب خوردنش مؤثر بوده و در عین حال، کلاهبردار هیچ‌گاه اطلاع‌رسانی و تمسکی به وضعیت شغلی خود نکرده و در فرایند ارتکاب جرم هیچ‌گونه بهره‌برداری ناروایی از رابطه شغلی خود با نهادهای مذکور در قانون ننموده باشد، آیا می‌توان او را به مجازات کلاهبرداری مشدد محکوم کرد؟ آیا پاسخ این پرسش را باید در فریب خوردن مال‌باخته جستجو کرد یا رفتار مرتکب را باید معیار تشخیص ضرورت تشدید مجازات او قرار داد؟ آیا آگاهی کلاهبردار از اینکه مال‌باخته بر موقعیت شغلی او آگاه است و این اطلاع در فریب خوردن او مؤثر است، بدون اینکه رفتاری حاکی از سوء استفاده از وضعیت شغلی خود انجام دهد، یا بهره‌ای از ارتباط شغلی خود در ارتکاب جرم ببرد، می‌تواند وضعیت مجرمانه او را تشدید کند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید به این موضوع مهم و اساسی توجه کرد که حقوق جزا رفتار نهی شده را با ضمانت اجرای کیفری پاسخ می‌دهد. عوامل مؤثر در شکل‌گیری تصورات مال‌باخته و فریب خوردن او، مادامی که موضوع رفتار مرتکب نباشند، موجب مسئولیت کیفری او یا تشدید مجازات وی نخواهند بود. قطعاً نمی‌توان شخصی را به علت تصور نادرست شخص دیگر از موضوعی که مورد استفاده او قرار نگرفته، مسئول مورد جزدانست یا در وضعیت سخت‌تری از نظر مجازات قرار داد. در این صورت او را به علت رفتار ناکرده کیفر داده ایم.

ممکن است چنین به نظر برسد که برخی از وضعیت‌های شخصی در مثال‌های گفته شده، به صرف وجود، تشدید مجازات مرتکب را به دنبال دارند؛ مانند جرم موضوع ماده ۵۴۳ و ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات). اما آیا وضعیت کارمندی دولت و نهادهای وابسته به آن هم می‌تواند چنین باشد؟ پاسخ را باید در کیفیت ارتباط وضعیت شخصی مرتکب با رفتار مجرمانه جستجو کرد. در مصادیق مواد ۵۴۳ و ۵۴۴ پیش گفته و مانند آن، داشتن وصف مستحفظ یا امانت‌دار، در کیفیت ارتکاب رفتار مجرمانه نقش دارد و بدون نیاز به موضوع دیگر باعث می‌شود رفتار مرتکب، جرم سنگین‌تر و مستوجب مجازات شدیدتر باشد. زیرا این وضعیت وی و قابلیت تأثیر آن در تحقق جرم، قابل تفکیک از رفتار مجرمانه نیست. به این دلیل که اموال و اشیاء در تصرف مرتکب هستند، بر آنها سیطره دارد و حق و ابزار لازم را برای ورود به محل نگهداری آنها در اختیار دارد و نیز موظف به حفظ و نگهداری اسناد است. در نتیجه، این وضعیت شغلی او به عنوان اوضاع و احوال پیرامونی (*surrounding circumstances*) جزئی از عنصر مادی جرم او را تشکیل می‌دهد. اما شغل دولتی یا وابسته به دولت شخص کلاهبردار، چنین خصوصیتی ندارد. این وضعیت مرتکب، بر خلاف وضعیت مستحفظ، نمی‌تواند به صرف وجود، نقشی در رفتار مجرمانه کارمند یا سایر اجزاء عنصر مادی جرم ایفا کند؛ مگر اینکه او بخواهد در انجام رفتار مجرمانه از آن بهره‌برد و این خواست خود را عامدانه به اجرا درآورد. هر چند صرف وجود آن، می‌تواند عامل اعتماد بی‌جا و فریب خوردن سریع‌تر و آسان‌تر بزه دیده شود، اما هنگامی جزئی از عنصر مادی جرم قرار می‌گیرد که کلاهبردار با رفتاری مثبت، از موقعیت شغلی خود در فریب دادن قربانی استفاده کرده باشد. مستحفظ یا امانت‌دار، هنگامی که مرتکب جرم می‌شود، عملاً از وضعیت و موقعیت شخصی خود بهره‌برده است و نمی‌تواند وضعیت شخصی خود را از رفتار مجرمانه جدا کند. اما در مورد کارمندی که مرتکب کلاهبرداری می‌شود الزاماً چنین نیست. توجه به دوگانگی فریب خوردن و فریب

دادن، که یکی مربوط به قربانی و دیگری مربوط به رفتار بزه‌کار است، نکته تعیین کننده بحث است. باید معلوم شود آیا فریب خوردن مالباخته، از وضعیت شغلی مرتکب ناشی شده، یا از رفتار مجرمانه او که با سوء استفاده از موقعیت شغلی اش انجام داده است؛ موضوعی که در تعریف میزان مسئولیت کیفری وی و مجازات مترتب بر آن مؤثر است.

فهرست منابع

قوانین

۱. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷
۲. قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲
۳. قانون دیوان کیفر کارکنان دولت مصوب ۱۳۳۴
۴. قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۶. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴
۷. قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳

کتاب‌ها

۸. ایمانی، عباس، (۱۳۸۶) فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری. نامه هستی، تهران، چاپ دوم
۹. بوشهری، سیدجعفر (۱۳۸۷)، حقوق جزا (جلد چهارم) (آرا و رویه‌های قضایی)، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم
۱۰. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰)، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، جنگل، تهران، چاپ اول
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ هفتم
۱۲. رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل کیفری، میزان، تهران، چاپ اول
۱۳. عنصری فرد، عباس (۱۳۸۴)، جریحه دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران، آریان، تهران، چاپ دوم
۱۴. محقق، رضا (۱۳۹۴)، عناوین کیفری (تشریح جرایم معمول در حقوق ایران)، علم و دانش، تهران، چاپ اول
۱۵. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸) بایسته‌های حقوق جزای عمومی (اول، دوم و سوم). جنگل، تهران، چاپ اول